

دکتر می یانگ، مقایسه مرثیه‌های همسایگان باستانی شرق نزدیک اسرائیل، جلسه ۲

من دکتر می یانگ هستم در تدریسش در مورد مقایسه مرثیه‌های همسایگان باستانی شرق نزدیک اسرائیل جلسه دوم.

خوش آمدید. بنابراین در این سخنرانی و این بار، می‌خواهم در مورد مقایسه مرثیه‌ها با همسایگان باستانی شرق نزدیک اسرائیل صحبت کنم.

بنابراین در اینجا، مقایسه سوگواری‌ها، نگاهی به فرهنگ‌های همسایه در اطراف اسرائیل، و دیدن اینکه چه نوع تمایزاتی ممکن است در کتاب مقدس پیدا کنیم. خوب، چه شباهت‌هایی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره خواهم کرد، چه تفاوت‌هایی وجود دارد، و در نهایت، در اینجا در پایان، خلاصه‌ای از آنچه در فرهنگ‌های مختلف می‌یابیم ارائه می‌دهم و به برخی از شباهت‌ها و تفاوت‌ها اشاره می‌کنم. اما در پایان می‌خواهم بگویم که واقعاً چه چیزی می‌توانیم از این نوع مقایسه‌ها یاد بگیریم.

و بنابراین، این کار را در پایان، وقتی که در موردش فکر می‌کنیم، انجام خواهم داد. بنابراین، وقتی در مورد همسایگان باستانی اسرائیل در خاور نزدیک فکر می‌کنیم، امروز روی چه کسانی تمرکز خواهیم کرد؟ بنابراین ما به اینجا، مصر، نگاه خواهیم کرد. همچنین به کنعانیان و بین‌النهرین نگاهی خواهیم انداخت.

اما چیزی که ما وقتی در مورد این موضوع فکر می‌کنیم به آن نگاه می‌کنیم این است که وقتی در مورد سوگواری فکر می‌کنیم، اغلب اوقات، دو دسته اصلی وجود دارد که ما اینجا به آنها فکر خواهیم کرد. نوحه‌ها وجود دارند. این نوعی از شیوه‌ای است که مردم نوحه‌های مراسم تشییع جنازه را دوست دارند.

بنابراین، جایی که مردم برای فقدان مرگ سوگواری می‌کنند، تمرکز اینجا روی این موضوع نیست. اینها بیشتر شبیه به آن چیزی هستند که ما از نظر ماهیت نوع دعا‌هایی که در کتاب مزامیر می‌یابیم، می‌بینیم، که بیشتر با تضرع به درگاه الهی سروکار دارد.

بنابراین بررسی من این بود که ببینم، آیا این موارد در فرهنگ پیرامون اسرائیل باستان شناخته شده است؟ آیا آنها، می‌دانید، برای درخواست کمک از خدایان خود دعا می‌کنند؟ و از این نمونه‌های باستانی خاور نزدیک چه می‌توانیم بیاموزیم؟ و آیا چیز خاصی در نمونه‌های کتاب مقدس وجود دارد که با مرثیه‌های کتاب مقدس متفاوت باشد؟ و این چگونه می‌تواند برای ما از این نظر آموزنده باشد؟ بنابراین ابتدا به مصری و نوع متن در مصری نگاه خواهیم کرد. سپس به برخی از نمونه‌های کنعانی نگاه خواهیم کرد، یا به نوعی می‌دانید، در اینجا چه چیزی پیدا می‌کنیم؟ شباهت‌ها و تفاوت‌ها در کجاست؟ ما به برخی نگاه خواهیم کرد، همانطور که در مورد آن نوع متون فکر می‌کنیم، به اوگاریتی و همچنین هیتی، و سپس در اینجا بین‌النهرین که به نوعی با سومری و همچنین بابلی سروکار دارد. بنابراین، دوباره، این فقط یک سخنرانی مختصر در مورد صحبت در مورد، می‌دانید، برخی از کلیات برخی از چیزهایی است که ما در چند متن خاص به آنها خواهیم پرداخت، اما می‌دانید، ما به طور عمده به آنچه در اینجا می‌یابیم نگاه خواهیم کرد.

وقتی به متن مصری اینجا نگاه می‌کنیم، چیزی که می‌خواهیم بدانیم این است که سرودها و دعا‌های زیادی مربوط به دوره پادشاهی قدیم و پادشاهی میانه وجود ندارد. بنابراین می‌توانید دوره‌ها را اینجا ببینید. بنابراین از نظر آنچه می‌توانیم به عنوان موازی با نمونه‌های کتاب مقدس پیدا کنیم، تعداد زیادی وجود نداشته است.

اما وقتی به پادشاهی جدید می‌رسیم، در واقع متون قابل مقایسه‌تر یا بیشتری داریم، اما آنها لزوماً مانند آنچه در کتاب مقدس می‌یابیم نیستند. آنها مانند مرثیه‌هایی که در کتاب مقدس می‌یابیم نیستند. اما چیزهایی وجود دارد که می‌توانیم از نظر عناصری ببینیم که می‌توانند برای ما آموزنده باشند، زیرا در مورد چگونگی انعکاس این متون مصری از رابطه آنها با خدایانشان و دعاها و تضرعات و درخواست‌هایشان فکر می‌کنیم.

و بنابراین ما اینجا می‌بینیم که حتی در سلسله هجدهم، دعاها بیشتر سرودهای مذهبی هستند. بنابراین، آنها با ستایش بیش از حد یا توصیفی مشخص می‌شوند. بنابراین این خیلی جالب است.

بنابراین لزوماً در این مثال‌ها، سوگواری یا دادخواست یا ستایش یا شکرگزاریِ اعلامی وجود ندارد، یا اگر هم باشد، زیاد نیست. و این در واقع بسیار آموزنده یا بسیار جالب است. و کمی بعد به این نکته هم اشاره خواهم کرد.

اما جان والتون، محقق عهد عتیق، مشاهده کرد که اگرچه دعا‌های مصری پر از ستایش هستند، اما شامل ستایش یا شکرگزاری اعلامی نمی‌شوند. بنابراین سرودهای بیشتری وجود دارد که خدا را ستایش می‌کنند می‌دانید، بیشتر در مورد ماهیت و کلیات آنها، اما لزوماً اعمال خاص فردی که از طرف دعاکننده انجام می‌شود، نیست، چیزی که در واقع در کتاب مقدس اینجا پیدا می‌کنید. خیلی اوقات مردم حتی در اینجا در کتاب مزامیر، مرثیه‌ها و شکرگزاری را با هم در ستایش اعلامی قرار می‌دهند.

بنابراین، او به سرعت خاطرنشان می‌کند که این بدان معنا نیست که آنها نماز شکرگزاری نداشتند، بلکه فقط به این معنی است که این بخشی از عبادت آنها در معبد نبوده و می‌توانستند خدایان خود را در سطح شخصی‌تری ستایش کنند. اما این به عنوان بخشی از عبادت رسمی معبد ثبت نشده است. و بنابراین این چیزی است که ما نیز باید هنگام فکر کردن به آن در نظر داشته باشیم.

اما در نمونه‌های ثبت‌شده آنها، چیز زیادی در این مورد اینجا نمی‌یابیم. و بنابراین، اینجا در سلسله‌ی نوزدهم، نمونه‌هایی داریم که نشان می‌دهد این دعاها هنوز بیشتر سرودهای ستایش هستند، اما اکنون کمی بیشتر شامل درخواست و عریضه هستند. بنابراین، ممکن است در متن قبلی دیده باشید که آنها به اندازه‌ی کافی درخواست و عریضه به خدایان نداشتند.

اما باز هم، آنها هنوز با آنچه در دعا‌های سوگواری خود در کتاب مقدس می‌یابیم متفاوت هستند. و بنابراین، اینجا می‌خواهم به تفاوتی اشاره کنم که اولاً آنها معمولاً با ستایش و دعای فراوان شروع می‌شدند. بنابراین، ستایش خدایان زیادی در اینجا اتفاق افتاده است.

و بنابراین، محقق اتمار عقیل، اشاره می‌کند که به ندرت مصریان با درخواست‌های مستقیم به خدایان می‌آمدند. بنابراین، آنها فقط نمی‌آمدند و درخواست‌ها را مطرح می‌کردند. آنها معمولاً با ستایش و دعا و حتی درخواست و در نهایت با نیت خیر می‌آمدند.

اگرچه هدف نهایی آنها درخواست بود، اما آنها بعداً آمدند. بنابراین، آنها در پایان آمدند تا توضیح دهند که چرا تمام ستایش‌های قبلی ضروری بوده است. بنابراین، وقتی در مورد این موضوع صحبت می‌کنم، این را به زمانی تشبیه می‌کنم که فرزندان پیش شما می‌آیند و می‌گویند، وای، امروز خیلی زیبا به نظر می‌رسی یا، می‌دانید، می‌دانید، خیلی خوب به نظر می‌رسی.

و پشت آن، آنها یک درخواست دارند. و بنابراین در اینجا نوعی چرب زبانی، می‌دانید، شخص یا، می‌دانید والدین یا چیزی شبیه به آن، برای تحقق هدف نهایی، که همان درخواست است، وجود دارد. و بنابراین می‌توانید این را بارها در بیشتر درخواست‌هایی که در این مورد می‌بینیم، پیدا کنید.

بنابراین، تفاوتی نیز در معنای پذیرش گناه و طلب رحمت از خدایان وجود دارد که رایج نیست. بنابراین، این موضوع در اینجا، به ویژه در نوشته‌های مصری، جالب است. بنابراین، اگر گناهی وجود داشته باشد، شخص دعاکننده، خطاهای فردی خود را نتیجه جهل و نه گناه توصیف می‌کند.

بنابراین، در ادبیات مصری، تمایل کمی برای طلب رحمت الهی یا درخواست بخشش وجود دارد، زیرا نگرش معمول عموماً انکار کامل ارتکاب گناه بود، که در اینجا به این شکل جالب است. مثلاً، می‌دانید، ما در کتاب مقدس می‌بینیم که، می‌دانید، مزمورنویس می‌آید و گناه را می‌پذیرد یا به نوعی آزادانه به این شکل اعتراف می‌کند. اما در اینجا چنین چیزی را زیاد نمی‌یابید.

و شاید این موضوع به نحوه‌ی نگاه آنها به جهان و از نظر فرهنگی مربوط باشد. بنابراین، نوع جنبه‌ی فرهنگی در اینجا و این به نوعی زمینه‌ی جهان‌بینی آنها را تشکیل می‌دهد. بنابراین چیزی که ما در دین مصریان می‌بینیم این است که آنها بر اصل مات یا عدالت تأکید دارند.

و بنابراین این مفهوم معتقد بود که جهان از طریق باور به عمل و پیامد، که به عنوان اصل مکافات نیز شناخته می‌شود، به هم پیوسته است. بنابراین، وقتی به اصل مکافات فکر می‌کنید، اساساً این است که اگر خوبی کنید، خوبی درو خواهید کرد. اگر بدی کنید، آنگاه بدی بر شما اتفاق خواهد افتاد.

و بنابراین، این نوع عمل و پیامد آن در حال رخ دادن است. و بنابراین، این به نوعی جهان‌بینی و نحوه نگرش آنها به جهان را شکل می‌دهد. و بنابراین اگر مآت یا درک آنها از عدالت آنطور که باید عمل نکنند، آنگاه هرج و مرج حاکم می‌شود.

و به طور خاص‌تر، اینجا، وقتی به عدالت و معات و نظم کیهانی، و همچنین حقیقت و تعادل فکر می‌کنیم، این چیزی است که اینجا به آن فکر می‌کنیم. اینجا، اگر این [مفهوم] کار نکند، هرج و مرج پیش خواهد آمد. بنابراین، برای مصری‌ها، اعتراف به اشتباه، تعادل جهان‌بینی آنها، و به نوعی جهان اینجا را بر هم می‌زند.

و اعلام گناه به معنای اعتراف به مشارکت در هرج و مرج نیز بود، و این عواقب زیان‌باری به همراه خواهد داشت، به خصوص در زندگی پس از مرگ و از نظر نحوه نگاه آنها به زندگی پس از مرگ در اینجا. و بنابراین آنها چگونه مشارکت کردند؟ می‌دانید، حتی برای درک آنها، می‌دانید، چگونه در زندگی پس از مرگ قلبشان در کنار یک پر سنجیده می‌شود، نوعی دیدن، می‌دانید، اینجا، می‌دانید، آنها از نظر مشارکت در عدالت یا هرج و مرج به این شکل چگونه عمل کردند؟ بنابراین این تفاوت‌ها وجود دارد. اما شما همچنین می‌خواهید ببینید که برخی شباهت‌ها نیز وجود دارد که از این نوع مقایسه‌ها به دست می‌آید.

بنابراین، یکی از آنها نوعی تشخیص این است که، می‌دانید، آنها اینجا به چه کسی دعا می‌کنند. بنابراین اینجا خدای خورشید، آمون-رع، در واقع به او به عنوان خدایی نگاه می‌کنند که مآت را تضمین می‌کند. بنابراین اینجا، جایی است که این الوهیت در واقع عدالت را در جهان تضمین می‌کند.

و بنابراین در اینجا، مردم می‌توانند واقعاً برای عدالت به خدا مراجعه کنند. آنها می‌توانند واقعاً بیایند و درخواست کنند زیرا او کسی است که ضامن این امر به این شکل است. و سپس فرعون، در اینجا ضامن عدالت از نظر قلمرو زمینی است.

و بنابراین، تقریباً هر یک از دشمنان او به همان معنا به عنوان نماینده هرج و مرج یا ایسفت دیده می‌شوند. بنابراین، در اینجا، هر کسی که علیه فرعون عمل کند، در این نوع برداشت علیه خدایان عمل کرده است. بنابراین می‌بینیم که این موضوع در آنچه در کتاب مقدس اینجا داریم نیز منعکس شده است.

بنابراین، در حالی که درک بنی اسرائیل این است که آنها می‌توانند بارها برای دعا به درگاه یهوه بیایند، زیرا یهوه کسی است که عدالت را اجرا می‌کند، می‌دانید، عدالت به این معنا نیز در دستان اوست. و اینکه مزمورنویس می‌تواند از خدا بخواهد که علیه دشمنان عمل کند، زیرا آنها در نهایت علیه او هستند، علیه او کار می‌کنند و به این معنا علیه دشمنان می‌آیند. و بنابراین نوعی طرز فکر مشابه در آن معنا وجود دارد که آن را به این شکل نیز ببینیم.

بنابراین، این کمی بیشتر در مورد بحث مختصری در مورد برخی از شباهت‌ها و روش‌هایی است که نوع متونی که در روش‌های مصری می‌بینیم، وجود دارد. دسته دوم از نظر من، بیشتر نمونه‌های کنعانی و به طور خاص اوگاریتی در اینجا هستند. بنابراین، اینها به نوعی مبتنی بر اکتشافات از سایت اوگاریت یا اوگاریت مربوط به اواخر عصر برنز در سوریه مدرن هستند.

و بنابراین آنچه شما آنجا یافتید، متونی که اغلب اوقات بیشتر متون اداری یا فهرست‌ها بودند. بنابراین آنها لزوماً با آنچه در مزامیر سوگواری می‌یابیم قابل مقایسه نیستند. چندین مورد مشابه در متن عهد عتیق، از جمله مزامیر، وجود داشت.

اما اینها بیشتر شبیه اشعار روایی بودند، نه مزامیر یا دعا به معنایی که ما به این شکل داریم. بنابراین همانطور که در تحقیقات من در اینجا آمده است، دو دعای قابل توجه وجود داشت، جزئیات بیشتر در مورد آن. می‌توانید آن را در کتابچه راهنمای مزامیر آکسفورد بیابید.

اینجا فهرستی از این موارد گسترده و آنچه آنها می‌بینند، ارائه شده است. اما چیزی که ما اینجا پیدا می‌کنیم و شباهت‌های آنها این است که اغلب یک سبک شعری مشترک با نوعی استفاده از توازی وجود دارد. بنابراین، توازی در شعر عبری اینجا بسیار گسترده یافت می‌شود و اساساً یک ابزار شعری است که ایده‌ای را از طریق دو یا سه سطر با تکرار، مترادف‌ها و گاهی متضادها بیان می‌کند.

و بنابراین، می‌توانید آن را هم در کتاب امثال و هم در کتاب مزامیر بیابید. بنابراین، بسیاری از اوقات، این نوع سبک شاعرانه، در این متون اوگاریتی نیز رایج است. آنها همچنین مضامین مشابهی داشتند.

بنابراین، از شما متشکرم که در مورد پادشاهی الهی، پیروزی بر دشمنان، مشورت الهی و دنیای زیرین صحبت کردید. آنها برخی از آن مضامینی را دارند که می‌توانیم در مزامیر نیز به آنها پردازیم. بنابراین، جان هستینگز پاتون مشاهده کرد که برخی از واژگان مشترک نیز وجود دارد.

و بنابراین در اینجا او نوعی درصد را که می‌توانیم اینجا ببینیم فهرست می‌کند، اما همچنین توجه داشته باشید که گاهی اوقات املای متمایز یا اشکال کوتاه شده‌ای وجود دارد که در اینجا متفاوت هستند. بنابراین در اینجا شما یک واژگان مشترک، سبک مشترک، مضامین مشترک دارید. بسیاری از این موارد در اینجا از نظر شباهت با آنچه در متن کتاب مقدس می‌یابیم نیز وجود دارد.

همچنین در اینجا تفاوت‌هایی وجود دارد. و بنابراین، در اینجا، مارک اسمیت خاطرنشان کرد که مضامین موجود در متون اوگاریتی گاهی اوقات به معنای فداکاری آنها برای مردگان یافت نمی‌شود. و بنابراین این یک مضمون رایج برای متون اوگاریتی بود.

اما ما لزوماً این را در متون کتاب مقدس نمی‌یابیم. مزامیر، خدای بنی اسرائیل را به عنوان خدای زنده و خدای زنده نشان می‌دهد. بنابراین، این کمی در نحوه توصیف آن متفاوت است.

بنابراین حتی در شباهت‌ها، تفاوت‌هایی نیز وجود دارد. یک تفاوت قابل توجه دیگر نیز وجود دارد و آن این است که این متون به خدای بعل می‌پردازند و تأکید بیشتری بر نوعی تصویرسازی اسطوره‌ای دارند. ما برخی از این موارد را در کتاب مزامیر می‌یابیم.

می‌دانید، شما نوعی ابرهای نوشتاری از جانب خدا دارید، یا می‌دانید، ما عناصر اسطوره‌ای در آن داریم. اما، قطعاً، آنها در اینجا در عناصر اسطوره‌ای بیشتری در این متون دیگر نیز حضور دارند. بنابراین، در اینجا محققان همچنین تأکید کرده‌اند که ژانر اینجا، همانطور که در مورد ژانر در مطلب قبلی خود در اینجا صحبت کردیم، آنها مانند ژانرهای کتاب مقدس نیستند.

و بنابراین اشعاری دارند که ترکیبی از چیزهای مختلف است. و بنابراین آنها ستایش توصیفی دارند، ستایش خدایان. آنها مرثیه‌ها و نذرها و شکایات دارند.

و سپس آنها به همان روشی که در متون کتاب مقدس می‌یابیم، طبقه‌بندی نشده‌اند. بنابراین شما نمی‌توانید یک مقایسه‌ی یک به یک پیدا کنید. اما می‌دانید، آنها نوعی شباهت‌ها، و همچنین برخی تفاوت‌ها را دارند.

ویلیام هالو اظهار می‌کند که متون اوگاریتی که در تمام این مطالعات به آنها استناد شده است، نه سرود مذهبی هستند و نه دعا، و بنابراین تنها می‌توانند به طور غیرمستقیم به روشن کردن مقوله مزامیر کتاب مقدس به معنای واقعی کلمه کمک کنند. و بنابراین، در اینجا، با این طرز فکر یکسان، ما به دنبال مقایسه‌ای یک به یک نیستیم، اما در واقع می‌توانیم نگاهی به آنچه در اینجا داریم بیندازیم. در نهایت، یکی از بارزترین تفاوت‌ها بین متون اسرائیل و همسایگان باستانی خاور نزدیک آن، اعتقاد به جهان‌بینی چندخدایی در مقابل جهان‌بینی توحیدی کتاب مقدس است.

بنابراین، همسایگان آنها در واقع به خدایان فراوانی اعتقاد داشتند و اینکه چگونه خدایان به این روش عمل می‌کردند. و کمی بیشتر خواهیم دید که برخی از آنها در واقع به چند خدا به این روش التماس می‌کردند. و حالا به سراغ نمونه‌های کنعانی می‌رویم، نمونه‌های بیشتری از هیتی‌ها، بنابراین از اوگاریت به نمونه‌های بیشتری از هیتی‌ها در اینجا می‌رسیم.

بنابراین، در اینجا، امپراتوری هیتی در ترکیه امروزی تقریباً همان جایی است که ما در مورد آن صحبت می‌کنیم، که نشان می‌دهد نمونه‌های موازی زیادی با مزامیر سوگواری عهد عتیق نیز وجود نداشته است. اما ما نوعی شباهت یا تفاوت‌هایی را که می‌توانیم در اینجا ببینیم، پیدا می‌کنیم. بنابراین، دعا‌های مربوط به پادشاهی قدیم، حدود قرن ۱۷ قبل از میلاد، ماهیت کلی‌تری داشتند و به نوعی در پاسخ به افراد خاص یا حتی مرتبط با آنها نوشته نشده بودند.

بنابراین، موارد قبلی قطعاً ماهیت عمومی‌تری داشتند و نوع دعاها یا متونی که در اینجا پیدا کردند. و سپس مدتی پس از امپراتوری جدید، بسیاری از دعا‌های سلطنتی نوشته شدند. و بنابراین در اینجا، اینها به طور خاص‌تر برای افراد خاص مشخص شده‌اند.

بنابراین، آنها پادشاهان یا اعضای خانواده سلطنتی خاصی را نام می‌بردند که این دعاها را برای خود یا به نمایندگی از پادشاهی خود می‌خواندند و معمولاً از خدایان یا موقعیت‌های مختلف، کمک در برابر دشمنان طاعون، شفا از بیماری‌ها درخواست می‌کردند. بنابراین، آنها قطعاً نوعی تضرع به درگاه الهی هستند که در این متون به این شکل بسیار بیشتر یافت می‌شود. بنابراین، مانند دیگر همسایگان باستانی خاور نزدیک، هیتی‌ها مجموعه‌ای از خدایان را می‌پرستیدند.

و بنابراین، اینجا جایی است که می‌توانید به عنوان مثال، یک دعا از موواتالی را ببینید، دومی به ۱۴۰ خدای مکان مختلف استناد می‌کند. بنابراین، ما در مورد یک جهان‌بینی چندخدایی صحبت می‌کنیم که خدایان ۸۳ زیادی را در ذهن دارد، که بسیار بسیار متفاوت از چیزی است که ما در فرهنگ بنی‌اسرائیل، در کتاب مقدس و متون مقدس می‌بینیم، چیزی که در آنجا منعکس شده است، و فقط به یهوه به آن معنا نگاه می‌کند. بنابراین در اینجا می‌خواهم کمی در مورد برخی از تفاوت‌ها صحبت کنم و سپس به یک مثال خاص که توسط محققان در اینجا ذکر شده است نگاهی بیندازم و به برخی از تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در این مورد نگاهی بیندازم.

بنابراین، یکی از تفاوت‌های قابل توجه در این دعا‌های هیئت مربوط به نوع جهان‌بینی تعاملی آنها در رابطه با خدایانشان است. بنابراین بسیار تعاملی است. اساساً، می‌دانید، شما پشت من را بخارنید و من پشت شما را بخارنم و، می‌دانید، من این کار را برای شما انجام خواهم داد.

تو این کار را برای من انجام می‌دهی. و بنابراین، این چیزی است که من اینجا می‌آورم. و بنابراین گویا توری مشاهده کرد که این رویکرد تعاملی در دعا‌های اینجا از اولین دعای طاعون مورسیلی دوم، او برجسته کرد که چگونه دعاها وعده داده بودند که به الهه خورشید، آرنه، در صورت از بین بردن طاعون، نان و شراب یا پیشکش‌های نوشیدنی پاداش دهند.

بنابراین اساساً اینجا، چیزی شبیه به چانه‌زنی یا معامله با خدایان وجود دارد. علاوه بر این، هیز معتقد است که دعا‌های هیئت‌ها به معنای واقعی کلمه استدلال یا استراتژی‌هایی برای متقاعد کردن خدایان بوده‌اند. مرتبط است "argument" بنابراین در اینجا اصطلاح هیئت برای دعا از نظر ریشه‌شناسی با کلمه انگلیسی.

بنابراین آکواری. و بنابراین، یکی از کلمات عبری برای دعا، تفیلا، نیز تداعی‌های قضایی مشابهی دارد. و بنابراین در اینجا نوع تفکر در مورد این موضوع یک استدلال است، نوعی ترغیب خدایان برای نوعی عمل به این روش.

و بنابراین، در اینجا، اگرچه برخی از اصطلاحات ممکن است به طور کلی در مزامیر عهد عتیق وجود داشته باشد، آنچه در اینجا می‌یابیم، طرز فکری بسیار متفاوت از آنچه در کتاب مقدس داریم، است. این یک طرز فکر معامله‌گرانه از آنچه در کتاب مقدس می‌یابیم نیست. اینطور نیست که، می‌دانید، شما پشت من را بخارنید، من اینجا رویکرد شما را بخارنم.

در واقع، می‌دانید، حتی در انبیاء در میکاه ۶ و ۸ که اینجا ارائه دادم، در واقع این تصویر متضاد ارائه می‌شود. بنابراین، بنی‌اسرائیل، می‌دانید، با این طرز فکر وارد می‌شدند، حتی به نوعی قربانی‌هایی که فکر می‌کردند خداوند می‌خواهد، ارتقا یافتند، و آنچه خدا می‌خواست در واقع تمایل به رابطه با قوم خود و برای آنها بود که در عدالت، فروتنی و عدالت گام بردارند. و بنابراین در اینجا در این آیات، می‌گویند، می‌دانید، آنها پس از اینکه پیامبر همه این اتهامات را علیه آنها مطرح کرده است، می‌آیند.

و سپس آنها در پاسخ می‌آیند و می‌گویند، من باید به چه چیزی در حضور خداوند بیایم و در مقابل خدای متعال تعظیم کنم؟ خب با چه چیزی؟ و بنابراین، آیا باید با قربانی‌های سوختنی، با گوساله‌های یک ساله به حضور او بیایم؟ پس این استاندارد است. آیا این چیزی است که خدا می‌خواهد؟ آیا او نوع استاندارد قربانی را می‌خواهد؟ آیا این چیزی است که ما باید برای مقابله با گناهان و چیزهایی که شما علیه ما آورده‌اید انجام دهیم؟ آیا خداوند از هزار قوچ با ده هزار رودخانه روغن زیتون راضی خواهد بود؟ بنابراین آنها کمی جلوتر می‌روند. آیا این چیزی است که او می‌خواهد؟ می‌دانید، این نوع چیز است، و سپس آنها آن را به چیزی غیرقابل تصور تبدیل می‌کنند.

پس آیا باید فرزند اولم را برای گناهانم، ثمره بدنم را، برای گناه روحم تقدیم کنم؟ و بنابراین آنها دوباره نوعی طرز فکر بسیار معامله‌گرایانه در مورد چگونگی برخوردشان با خودشان دارند، اینکه خدا با آنها چگونه رفتار می‌کند. و این همان چیزی است که خدا به پیامبر می‌گوید. او می‌گوید، او به همه شما فانی یا پیر نشان داده است که چه چیزی خوب است و خداوند از شما چه می‌خواهد که عادلانه عمل کنید و رحمت را دوست داشته باشید و با خدای خود فروتنانه رفتار کنید؟ و بنابراین در اینجا انواع بسیار متفاوتی از طرز فکرها وجود دارد، حتی با کتاب مقدس، برخلاف برخی از آن دعاها در اینجا.

خب، برگردیم به مثال‌های خاص اینجا. خب، این اولین دعای روزیلی به جمع خدایان و الهه‌هاست. و اینجا این با دعای محقق که به آن نگاه کرده، مثلاً با مزمور ۸۸ و ۸۹، مقایسه می‌شود و موارد زیر را مشاهده می‌کند.

و خب، این کریستوفر هیز است. بنابراین، از نظر شباهت‌ها، هم هیتی و هم مزامیر تا پایان عمر در تاریکی و سوگواری باقی می‌مانند. این دعاها گوینده خود را همچنان در انتظار مداخله الهی باقی می‌گذارند.

و بنابراین آنها هنوز اینجا منتظرند. بنابراین هر دوی آنها این را دارند. هم دعای هیتی و هم ۸۹ دارای یک شخصیت سلطنتی قوی هستند.

بنابراین، در اینجا، به نوعی با پادشاه، با پادشاه یکی شدن، همانطور که قبلاً دیدیم، در مورد آن صحبت می‌کنیم. آنها مضامین مشترکی در درخواست کمک از الوهیت و تأمل در مورد رفتارهای مطلوب گذشته الوهیت دارند. و بنابراین در اینجا نوعی تأمل در گذشته وجود دارد، که در مورد رفتار مطلوب در اینجا فکر می‌کنیم.

اما تفاوت اینجا این است که، می‌دانید، در مزمور ۸۸، ماهیت فردی‌تری دارد و در مقایسه با دعای هیتی‌ها که در آن پادشاه از طرف ملت صحبت می‌کند و حتی مانند یک کاهن اعظم عمل می‌کند، به رنج و مرگ، شخصی اشاره دارد. بنابراین، او در اینجا نماینده ملت است، برخلاف آن نوع ماهیت فردی که در مزامیر مزمور ۸۸، می‌بینیم. و سپس در دعای هیتی‌ها، سعی می‌شود نسل فعلی از نسل قبلی فاصله بگیرد تا گناه را تیرئه کند.

خب، این به جورایی جالبه. اونا هویت خودشون رو نشون نمی‌دن. نمی‌خوان گناهشون رو بپذیرن.

آنها می‌خواهند خود را از اجدادشان که در واقع گناهکار بودند جدا کنند، اما در این راه به نوعی بی‌گناه هستند. و بنابراین در اینجا، شاه مرسولی رنج خود را به نذری که پدرش شکسته است نسبت می‌دهد. در حالی که پدران آیینی را انجام دادند و گناه خود را اعلام کردند، ملت هاتی همچنان گناهکار باقی می‌مانند زیرا هیچ آیینی را از طرف خود انجام ندادند.

و بنابراین در اینجا او از طرف زمین جبران می‌کند، اما همچنین روشن می‌کند که هیچ کار بدی نکرده است. بنابراین، دوباره، این فاصله از پذیرش گناهان به این شکل است. و بنابراین این برخلاف مزمور ۸۹ است که بر ارتباط با نسل‌های گذشته تأکید دارد.

و هیچ فاصله‌ای از اجدادمان وجود ندارد. می‌دانید، آنها اشتباه نکردند، اما ما خوب پیش می‌رویم. می‌دانید، این نوعی هویت‌یابی است.

بنابراین برخلاف دعای هیتی‌ها، مزامیر ۸۸ و ۸۹ دلیل خشم الهی را مشخص نمی‌کنند. به عبارت دیگر، مزامیرنویس بر نوعی مجازات تمرکز نمی‌کند، بلکه از یهوه التماس می‌کند که تسکین دهد. بنابراین، باز هم

اینجا بحث معامله نیست، بلکه در واقع بحث تسکین، به نوعی، برای رنجی است که آنها به این شکل متحمل می‌شوند.

بنابراین، در اینجا، و سپس ادامه می‌دهیم، و وقتی به این نمونه‌های آخر نگاه می‌کنیم، اینجا بیشتر بین‌النهرینی بود. بنابراین در میان تمام همسایگان اسرائیل، همسایگان باستانی خاور نزدیک، احتمالاً ما اینجا بزرگترین مجموعه دعاهایی را داریم که می‌توان آنها را با نوعی مرثیه‌های کتاب مقدس مقایسه کرد، که بیشتر به سومر و بابل مربوط می‌شود. و بنابراین در اینجا، این دعاها در دوره‌های اولیه بین‌النهرین، دعاهای مکتوب به خدایان، اغلب بر روی اشیاء نذری حک می‌شدند.

بنابراین بسیاری از اوقات، می‌دانید، روی کاسه‌ها، در سلاح‌ها، به نوعی در مجسمه‌ها. و آنها در واقع در معابد نزدیک خدایی که سعی در خطاب به او داشتند، قرار می‌گرفتند. بنابراین آنها در واقع اشیاء را می‌آوردند و روی این دعاها، روی این اشیاء، به نوعی به عنوان نماینده آنها حک می‌کردند.

بنابراین آنها به عنوان کسانی در نظر گرفته می‌شدند که جای دعاها را می‌گیرند تا دائماً در حضور خدا باشند. بنابراین، شما این شیء را می‌آورید زیرا کسی که این را درخواست می‌کند نمی‌تواند روز و شب آنجا بایستد. آنها با دعاهای خود شیء را به آنجا می‌آوردند تا به این معنا در مقابل حضور خدا بایستند.

و خوب، با گذشت زمان، می‌دانید، این اشیاء خیلی گران شدند، می‌دانید، پیدا کردن این کاسه‌ها و سلاح‌ها و این چیزها اینجا غیرممکن شد. و بنابراین شخصی که دعا می‌کرد، شروع به نوشتن این دعاها و نامه‌ها کرد و به نوعی نامه‌های بیشتری داشت. و آنها را برای خدا می‌نوشتند، و آنها را هم در معبد می‌گذاشتند.

و بنابراین محققان تا نه نوع مختلف دعا را شناسایی کرده‌اند. و بنابراین در کتاب من، می‌توانید در اینجا در صفحات ۴۳ و ۴۴ جزئیات انواع مختلف دعاهایی که یافت شده‌اند و انواع مختلفی که به این روش یافت شده‌اند و نحوه شناسایی آنها را مشاهده کنید. بنابراین، جنبه دیگری که باید به آن توجه شود این است که همانطور که کسانی که به حاکم انسانی نزدیک می‌شوند، دست خالی بر نمی‌گردند.

بسیاری از دعاهای سومری و بابلی با آیین‌هایی همراه بودند. بنابراین آنها نه تنها با آوردن چنین مجسمه‌ها یا چیزهایی به همراه دعاها، بلکه در واقع قربانی‌ها یا هدایایی را برای خشنود کردن خدایان می‌آوردند تا درخواست‌ها برآورده شوند. و بنابراین در اینجا این آیین‌ها برای ترغیب خدایان به اجابت درخواست دعاکننده انجام می‌شد.

و بنابراین، باز هم، یک نوع طرز فکر بسیار معامله‌گرایانه، حتی با اینکه آنها نیز از این طریق به الوهیت نزدیک می‌شوند. بنابراین، در اینجا، جسیکا مک‌میلان دعای سوگواری سومریان برای ایشتر را با ژانر سوگواری‌های کتاب مقدس مقایسه کرد و شباهت‌ها و تفاوت‌های زیر را ذکر کرد. بنابراین شما به برخی از نمونه‌های خاص در اینجا نگاه می‌کنید.

این یکی، اینجا، آنها شباهت‌هایی دارند و نکته‌ی خاص این است که شعر عناصر بسیار مشابهی با مرثیه‌های کتاب مقدس دارد. بنابراین ما برخی از آن عناصر را داریم، مانند، دعا، ستایش از الوهیت، شکایت، درخواست. بنابراین شما برخی از عناصر مشترک را در آنجا دارید.

همچنین استفاده از عبارات مشابه رایج، مدت زمان، برخی شباهت‌های سبکی مشترک، شگردهای شعری و کنایه‌ها وجود دارد. بنابراین شما به نوعی مضامین مشابهی نیز دارید. بنابراین برخی از این موارد را در این نوع دعاها به این شکل می‌بینید.

تفاوت اینجا این است که در ابتدای دعا، ستایش گسترده‌ای وجود داشت. بنابراین این در مرثیه‌های کتاب مقدس یافت نمی‌شود. بنابراین، درست مانند دعا‌های مصری که در ابتدا ستایش زیادی دارند، اینجا نیز آن را می‌بینید.

و بعد در کتاب مقدس، وقتی می‌بینید، می‌دانید، مرثیه‌های کتاب مقدس، به خصوص، می‌دانید، مرثیه‌های انفرادی، می‌بینید که مزمورنویس فقط به حضور خدا می‌آید و می‌گوید، ای خدا، می‌دانی، یا صخره من. چیزی به نام آمدن، ستایش کردن و بزرگ کردن خدا وجود ندارد. این فقط نوعی آمدن مستقیم به حضور خدا و خطاب قرار دادن او به این شکل است.

بنابراین، شما این را در مرثیه‌های کتاب مقدس یا این نوع دعای مفصل که در ابتدا یافت می‌شود، نخواهید یافت. و بنابراین در اینجا، در حالی که مرثیه‌های بین‌النهرین معمولاً می‌توانستند با ستایش شروع شوند، مرثیه‌های کتاب مقدس معمولاً با ستایش پایان می‌یابند. و سپس ما آن را نیز دیدیم.

بنابراین، آنها به نوعی، می‌دانید، آن را به این شکل نیز مطرح می‌کنند. و بنابراین، نکته دیگر این است که دعا‌های سومری، اغلب با معرفی شخص دعاکننده شروع می‌شوند. بنابراین، شخص خود را به خدایان معرفی می‌کند.

خب، شما این مثال را دارید، من، می‌دانید، فلانی از فلانی هستم، که خدایشان مردوک است. و خب، این الهه کیست؟ خب، این معرفی رسمی می‌گوید که آنها چه کسانی هستند، با کدام خدا مرتبط هستند و چرا به این معنا اینجا هستند. این معرفی خود می‌تواند برای افراد مختلف، به دلایل و موقعیت‌های مختلف تطبیق داده شود و آنها آن را نامگذاری می‌کنند.

و بنابراین ما چنین چیزی را در متن کتاب مقدس اینجا نمی‌یابیم. شما کسی را ندارید که بگوید، من اینجا هستم و توسط این خدا یا چیزی شبیه به آن نمایندگی می‌شوم. این فقط متفاوت است.

و بنابراین، دوباره، این آینه که در مقابل حضور یک حاکم قرار می‌گیرد، به نوعی بهترین راهی است که می‌توانیم آن را ببینیم یا کسی با اقتدار بالاتر که در دادگاه‌ها نشسته است. و این نشان دهنده این نوع فاصله بین این انسان و خدایان است. و بنابراین فاصله‌ای وجود دارد که در این نوع نیاز به مقدمه‌ای منعکس شده است که در مزامیر کتاب مقدس، که از یهوه به عنوان پناهگاه و سپر صحبت می‌کند، پیدا نخواهید کرد.

بنابراین، نحوه تفکر ما در مورد چگونگی به تصویر کشیدن این نوع ارتباط در حضور خدا توسط مزامیر نیز بسیار متفاوت است. جان والتون اظهار می‌کند که مانند دعا‌های مصریان و کنعانیان، دعا‌های بابلی نیز خدایان خود را به خاطر اعمال خدایی خاصی که از طرف فرد انجام می‌شود، ستایش نمی‌کنند. بنابراین، باز هم، بیشتر ستایش خود آنهاست.

این اعمال خاص شکرگزاری نیست، همانطور که در دعا‌های سوگواری و شکرگزاری از خدا برای شنیدن یا برخورد با موقعیت‌های خاص می‌بینیم. اینها ماهیت خاصی ندارند. و بنابراین، در اینجا کلاوس وسترمن تشخیص می‌دهد که در بابلی، در بابل، مزامیر در درجه اول کسی را که وجود دارد، خدایی را که در جهان خدایان خود وجود دارد، ستایش می‌کنند.

در اسرائیل، آنها در درجه اول خدایی را ستایش می‌کنند که با مداخله در تاریخ قوم خود و تاریخ فرد و اعضای قوم خود، به طرز شگفت‌آوری عمل می‌کند. بنابراین، خدایانی که در بابل ستایش می‌شوند، تاریخ خود را در میان خدایان دارند. در ستایش اسرائیل از ابتدا تا انتها، موضوع اصلی تاریخ خدا با قوم خود است.

بنابراین، دوباره، یک ماهیت بسیار شخصی که در مرثیه‌های کتاب مقدس، نمونه‌های کتاب مقدس پیدا می‌کنید، در مقابل، می‌دانید، خدایانی که در دنیای خدایان معامله می‌کنند و وجود دارند و به نوعی آنها را به خاطر این ستایش می‌کنند، نه اینکه خدا واقعاً با ما به عنوان انسان به این شکل تعامل داشته باشد. و بنابراین در این مورد نیز تفاوت واقعی وجود دارد. و بنابراین، در اینجا، جنبه مهم دیگر این است که می‌دانید، دعا‌های توبه نوعی دعا‌های توبه هستند زیرا سعی می‌کنند گناه را شناسایی کرده و به گناه اعتراف کنند تا خدایان خشمگین را آرام کنند.

اگرچه دعاکننده با توبه و به دنبال آشتی یا رهایی از گناه و عواقب آن از جانب خدای می‌آید که به دلیل عملی از سوی دعاکننده که در دعا مشخص نشده، خشمگین است. بنابراین، آنها با این آگاهی که کار اشتباهی انجام داده‌اند و سعی در آرام کردن او دارند، می‌آیند. این مربوط به آرام کردن خدایان است.

می‌دونی، ما چه اشتباهی کردیم؟ چطور می‌تونیم به جورایی درستش کنیم؟ و خیلی وقت‌ها این کار از طریق ورد و اوراد انجام می‌شد، که خیلی هم رایج بودند، یا اعمال آیینی، مثل دستورات خاص. در واقع متن‌هایی پیدا می‌کردند که می‌گفت، می‌دونی، این کار رو بکن و اون کار رو بکن. بنابراین این بیشتر به جورایی به نمونه‌ی منظم از کاریه که باید انجام بدن.

بنابراین آنها با دستورالعمل‌هایی همراه هستند، که شامل استفاده از طلسم‌ها، خون ریختن در خانه‌ها، سوزاندن اشیاء، دفع شر، و در نهایت ایجاد همه این چیزهایی است که باعث رنج می‌شوند. بنابراین آنها در تلاشند تا رنج را کاهش دهند. و بنابراین گام‌هایی وجود دارد که باید بردارند.

و بنابراین مزامیر کتاب مقدس بسیار متفاوت هستند. آنها ورد و طلسم نیستند. آنها دستورالعمل‌های صریحی ندارند.

می‌دانید، آنها با نوعی اعمال آیینی برای تسکین درد همراه نیستند. شما چنین چیزی را پیدا نخواهید کرد. می‌دانید، ما قرار نیست طلسمی بپوشیم تا دردمان از بین برود یا چیزی شبیه به آن.

بنابراین از این نظر نیز چیزی مشابه پیدا نخواهید کرد. مانند مصر، دعا‌های بین‌النهرین نیز در مورد گناه موضع جهل داشتند. بنابراین دلیل آن متفاوت است.

بنابراین، همانطور که در مورد طرز فکر مصریان، با درک ماعت و عدالت در اینجا صحبت کردیم، به جای ترس از قضاوت یا مشارکت در هرج و مرج، دعا‌های بین‌النهرین نوعی اظهار جهل می‌کردند زیرا واقعاً نمی‌دانستند چه کاری انجام داده‌اند که خدایان مختلف را آزرده خاطر کرده است. خدایان بسیار زیادی وجود دارند.

آنها مطمئن نیستند که واقعاً چه کسی را آزرده خاطر کرده‌اند. بنابراین، این بیشتر نوعی جهل نسبت به چیزی است که می‌تواند برای یک خدا توهین‌آمیز باشد، اما ممکن است برای خدای دیگر توهین‌آمیز نباشد و بنابراین آنها واقعاً نمی‌دانند که دقیقاً چه اتفاقی افتاده یا چه کاری انجام داده‌اند که باعث بروز چنین فاجعه‌ای شده است که اکنون با آن مواجه هستند.

و بنابراین، در اینجا، شاید ادعای جهل در کتاب مقدس وجود ندارد زیرا دیدگاه اسرائیل یک جهان‌بینی چندخدایی نیست. و بنابراین وقتی این همه خدا دارید، پیگیری گناهی که می‌توانستند خدایان مختلف را به این طریق خشمگین کنند، دشوار است. و بنابراین تفاوت دیگر در اینجا نقش واسطه‌ها است.

و بنابراین اینجا در این دعا‌های بین‌النهرین، شما در واقع افرادی را دارید که واسطه‌هایی دارند که قرار است به جای شما بایستند تا به نوعی از این طریق استدلال کنند. و بنابراین، این از این جهان‌بینی شرک‌آمیز ناشی می‌شود که یک خدا می‌تواند در واقع برای شخصی که به خدایان دیگر دعا می‌کند، شفاعت کند. بنابراین مردم خدایان شخصی یا خدایان محلی خود را دارند که می‌توانند بیایند و نزد کسی که در سلسله مراتب یا مراتب بالاتر است، شفاعت کنند و از این طریق برای آنها شفاعت کنند.

و بنابراین، آنها به این شکل به عنوان یک خدا از طرف دعاکننده می‌آیند. و به این ترتیب واسطه‌هایی دارند و بنابراین، در اینجا، یک ویژگی مشترک، شفاعت یک خدا در پیشگاه خدای دیگر به نمایندگی از درخواست‌کننده است.

بنابراین، به ندرت پیش می‌آید که یک فرد رنج‌کشیده از خدای شخصی خود بخواهد که در برابر خدایان والا به نفع او مداخله کند یا حتی برعکس. بنابراین، شما در واقع چنین ملاقاتی دارید. آنها نمی‌توانند مستقیماً به خدای والا مراجعه کنند.

آنها در واقع باید از طریق خدای شخصی خود به این مقام برسند. و بنابراین در اینجا، این سلسله مراتب وجود داشت و افراد لزوماً رابطه شخصی با، به عنوان مثال، خدای متعال نهایی به این معنا نداشتند. و بنابراین در اینجا، حاکمیت کامل را از هر خدای فردی سلب می‌کرد.

اما جالب است زیرا با این وجود، خدایان سطح بالاتر اغلب طوری ستایش می‌شدند که گویی کاملاً حاکم هستند. بنابراین نحوه‌ی خطاب به آنها حتی در این نوع متون نیز جالب است. و بنابراین، در اینجا، برخی از شباهت‌ها و تفاوت‌هایی که در اینجا می‌یابیم، آورده شده است.

و خب، این یکی اینجا در بین‌النهرین است، ژانر متفاوتی هم به نام مرثیه‌های شهری سومری وجود دارد. و خب، بسیاری از دعا‌هایی که من الان در موردشان صحبت کردم، دعا‌های فردی‌تری محسوب می‌شدند، مثلاً تضرع به درگاه الهی. و این دسته در واقع نوع جداگانه‌ای از ژانر است که از بعضی جهات بیشتر جنبه‌ی جمعی دارد، یا به نوعی ما آن را نوعی مرثیه شهری می‌بینیم.

بنابراین، این دعاها در سوگ سقوط شهرها بودند و بر اهمیت این وقایع که اتفاق افتاده بود، تأمل می‌کردند. بنابراین، چه چیزی باعث سقوط شد، می‌دانید، بازسازی شهر و چیزهایی از این قبیل. بنابراین اگرچه آنها با ژانر مرثیه‌های دسته‌جمعی در مزامیر متفاوت هستند، می‌توانند درک ما را از کتاب مرثی‌افزایش دهند.

بنابراین، همانطور که قبلاً اشاره کردم، کتاب مرثی‌افزایش در واقع نوعی سوگواری برای ویرانی شهر اورشلیم است و بنابراین، شما در اینجا برخی از پیشینیان را در مورد سوگواری‌های شهر سومری دارید، می‌دانید، آیا این چیزی است که در واقع کتاب مرثی‌افزایش را الهام بخشیده است؟ می‌دانید، می‌توانیم آن را ببینیم؟ بنابراین محققان پنج سوگواری شهر سومری را در بین‌النهرین پیدا کرده‌اند. بنابراین این پنج نوع سوگواری برای ویرانی اور هستند، اینها پنج موردی هستند که احتمالاً وقتی به ژانر سوگواری‌های شهر سومری و نحوه بحث در مورد آنها فکر می‌کنیم، مشهورترین هستند.

و بنابراین، این مرثیه‌ها در واکنش به ویرانی شهرهای مختلف سومر نوشته شده‌اند. بنابراین می‌توانید در اینجا محتوا و شکل متنوع آنها را ببینید، اما مضامین مشترکی نیز دارند. بنابراین، دوباره، همانطور که در هر نوع ژانری می‌بینیم، آنها از این نظر نوعی مضامین مشترک دارند.

بنابراین همه آنها از تخریب شهر و معبد توسط یک یا چند مورد از موارد زیر صحبت کردند. بنابراین شما در واقع با یک نوع رویداد مخرب روبرو هستید که اتفاق افتاده است، چه مانند حملات نظامی یا طاعون یا خشکسالی یا قحطی، و همچنین در مورد از دست دادن ساکنان، تصمیم خدا برای نابودی شهر، رها کردن خدای محافظ شهر صحبت کردند. بنابراین در اینجا خدا در واقع شهر را ترک می‌کند، همچنین شهر و معبد بازسازی می‌شوند و خدای محافظ بازی‌گردد.

بنابراین شما کل این فرآیند را دارید که به نوعی حتی در اینجا به آن اشاره شده یا در مورد آن صحبت شده است. و بنابراین برخی از محققان معتقدند که این مرثیه‌های شهری هنگام بازسازی شهرها خوانده یا استفاده می‌شدند. بنابراین پس از تخریب و بازسازی آنها و مرمت معبدشان، آنها در واقع در این مواقع این مرثیه‌ها را به این شکل می‌خواندند.

به همین ترتیب، شکل جدیدتری هم وجود داشت. بنابراین به نوعی توسعه این نوع سوگواری‌های شهری سومری، آنها در واقع دسته‌های مختلفی به نام‌های بالگ و اورشیم داشتند. و اینها به نوعی مشتق شده از این سوگواری‌های شهری اصلی بودند.

اما اینها در واقع کمی ابهام بیشتری داشتند. ماهیتشان عمومی‌تر شد. خب، احتمالاً می‌توان از آنها برای تطبیق راحت‌تر به این روش استفاده کرد.

و بنابراین اینها زمانی استفاده می‌شدند که قرار بود یک محراب ساخته و مرمت شود، و مرمت و بازسازی معبد یک سرگرمی اصلی در میان حاکمان باستان خاور نزدیک بود. اما آنها همچنین در طول جشنواره‌هایی از نوع آکیتو به این شکل استفاده می‌شدند. و بنابراین در اینجا می‌توانید ببینید که اینها تقریباً در همان زمان وجود داشته‌اند، اما ماهیت عمومی‌تری نیز دارند.

و بنابراین پیشینیان آنها در این مورد خاص‌تر بودند. این به آنها کمک می‌کند تا آن را کمی بهتر با موقعیت‌های مختلف تطبیق دهند. بنابراین، چیزی که اینجا می‌بینید این است که در حالی که محققان در مورد این موضوع اختلاف نظر دارند، می‌دانید، بسیاری معتقدند که کتاب مراثی برخی از چیزهایی را که حتی در این مرثیه‌های شهرهای سومری نیز یافت می‌شود، منعکس می‌کند.

و بنابراین، در اینجا، چیزی که می‌خواهم به طور کلی به آن اشاره کنم، همانطور که ما در مورد مقایسه با همسایگان باستانی اسرائیل در خاور نزدیک و انواع مختلف اشکال و متون و دعاها و چیزهایی که در اینجا می‌یابیم فکر می‌کنیم، می‌دانید، فکر کردن در اینجا، حتی کتاب مراثی و مرثیه‌های شهر سومری است. بنابراین این نشان می‌دهد که ادبیات در خلاء پدید نمی‌آید. بنابراین حتی وقتی به مرثیه‌های کتاب مقدس نگاه می‌کنیم و در مورد آن فکر می‌کنیم، از خلاء ناشی نمی‌شود.

آنها زمینه‌ای از همسایگان دارند. آنها زمینه‌ای دارند که این فرم‌ها به نوعی در آن به اینجا می‌آیند. و بنابراین می‌دانید، قبلاً، می‌توان از تأثیر زمینه‌ای و نمونه‌های اولیه قبلی برای شکل دادن به آثار بعدی استفاده کرد،

و بنابراین در اینجا می‌توانیم برخی شباهت‌ها و نمونه‌های کتاب مقدسی را ببینیم. همچنین می‌توانیم تفاوت‌های زیادی را نیز در آنجا ببینیم. و بنابراین این تأثیرات لزوماً بازتاب درک کلامی یا فلسفی از آثار قبلی نیستند، حتی اگر شباهت‌هایی وجود داشته باشد، و تفاوت‌ها می‌توانند آموزنده و روشنگر باشند.

و بنابراین فکر می‌کنم همانطور که می‌توانید این را ببینید، حتی برای کتاب مراثی و سپس تمام مواردی که ما بررسی کرده‌ایم، می‌توانیم ببینیم که می‌تواند برای ما آموزنده باشد، همانطور که در مورد مراثی کتاب مقدس فکر می‌کنیم و اینکه چگونه متفاوت است، چگونه می‌توانیم یاد بگیریم؟ و این جایی است که، می‌دانید، این

بخش آخر در مورد آن صحبت می‌کند، می‌دانید، پس از مرور بسیار مختصر برخی از مثال‌ها در اینجا چگونه می‌توانیم از شباهت‌ها و تفاوت‌ها بیاموزیم؟ بنابراین وقتی به دعا‌های همسایگان اسرائیل نگاه می‌کنیم، این چگونه به ما کمک می‌کند وقتی که می‌خواهیم مرآتی کتاب مقدس را بازیابی کنیم، وقتی در مورد کتاب مقدس فکر می‌کنیم، چه می‌دانید، چه تفاوتی در مورد مرآتی کتاب مقدس وجود دارد و چگونه ژانر مرآتی در عهد عتیق فرهنگ زمان خود را منعکس می‌کند و چگونه آنها نیز متفاوت هستند؟ و بنابراین چه چیزی در آن می‌یابیم؟ چگونه این می‌تواند آموزنده باشد، و چگونه می‌توانیم به این تفاوت‌ها در آنچه در این مثال‌ها می‌یابیم، اشاره کنیم و از آنها یاد بگیریم؟ و بنابراین، من اول دوست دارم کمی خلاصه کنم، می‌دانید با نگاه به همه آن انواع مختلف اینجا، می‌دانید، چه شباهت‌هایی وجود دارد؟ چه تفاوت‌هایی وجود دارد؟ ما واقعاً از اینجا چه می‌توانیم یاد بگیریم، و چه چیزی می‌تواند از این ناشی شود؟ و بنابراین، در اینجا یک چیز مشابه وجود دارد: درست همانطور که همسایگان‌شان در دوران سختی دعا‌های خود را به خدایان تقدیم می‌کردند، و می‌دانید، عناصر، واژگان و مضامین مشابهی داشتند، می‌توانید ببینید که اسرائیل نیز همین کار را می‌کند. بنابراین، من فکر می‌کنم این به ماهیت جهانی رنج، ماهیت جهانی نوع موقعیت‌هایی در زندگی ما که نیاز به کمک و تضرع داریم، اشاره دارد. و بنابراین در اینجا می‌توانیم این نوع مراجعه به خدایان را در دوران سختی پیدا کنیم.

جهان‌بینی آنها فراتر از دنیای فیزیکی بود. و بنابراین، می‌دانید، اینجا فقط دنیای مادی برایشان وجود نداشت آنها تشخیص دادند که چیزی فراتر از دنیای فیزیکی وجود دارد و بنابراین به نوعی به پیشگاه خدایان اشاره می‌کردند و به نوعی به آنها نزدیک می‌شدند.

آنها معتقدند که خدایان کسانی بودند که عدالت را برقرار کردند و حقانیت، شفا و تسکین را به ارمغان آوردند. و بنابراین به نوعی اذعان می‌کنند که این [دعا]، می‌دانید، خارج از خودشان، حتی از قلمرو معنوی و از خدایانی می‌آید که عدالت را برقرار کردند و به نوعی، می‌دانید، آن نوع قدرت را به آن معنا داشتند. آنها به وجود موجودات الهی و توانایی آنها در کمک به فرد دعاکننده اعتقاد داشتند.

و بنابراین اینجا تعامل با دنیای الهی و، می‌دانید، دنیای فیزیکی و همچنین فرد دعاکننده وجود دارد. و بنابراین فقط یک خدا نبود که از آن دور باشد، بلکه آنها واقعاً می‌توانند در اینجا تعامل داشته باشند. و آنها همچنین موجودات الهی را از نظر توانایی برتر از انسان‌ها می‌دانستند.

بنابراین، جای تعجب نیست که خدایان به خاطر شخصیت و اعمال کلی‌شان که در خلقت و حفظ جهان، نشان داده شده‌اند، به طور گسترده مورد ستایش قرار گرفته‌اند. و بنابراین در اینجا با اذعان به این نکته می‌دانید که انسان‌ها در قدرت خود محدود هستند و ما باید به نوعی به کسی بالاتر از خود با اقتدار بیشتر در این معنا روی آوریم. و بنابراین داشتن این نوع شباهت‌ها و نزدیک شدن به الوهیت و خدایان در این معنا نیز وجود دارد.

بنابراین، وقتی در اینجا به تفاوت‌ها فکر می‌کنیم، می‌دانید، برخی تفاوت‌های الهیاتی بنیادی وجود دارد که می‌توان آنها را در دو دسته اصلی زیر خلاصه کرد. بنابراین، به نظر من دو دسته اصلی وجود دارد که این تفاوت‌ها را در آنها دسته‌بندی می‌کنم. و اولین مورد در اینجا نحوه نگاه آنها به رابطه بین انسان و الوهیت است.

بنابراین، در اینجا، به طور خاص‌تر، روابط بین انسان‌ها و الوهیت چگونه دیده می‌شد؟ اگرچه آنها می‌دانستند که انسان‌ها تا حدودی در قدرت خود محدود هستند و خدایان قدرتمندترند. می‌دانید، چه چیزی، نحوه نگاه آنها به این رابطه و نحوه تعامل آنها را مشخص می‌کرد؟ بنابراین، اولین مورد در اینجا می‌دانید، قطعاً این جهان‌بینی چندخدایی در مقابل یک نوع توحیدی و نحوه نگاه آنها به آن است. و بنابراین، در اینجا این جهان‌بینی چندخدایی، تعامل شخصی با همه خدایان را دشوار می‌کرد.

بنابراین، دعاها منعکس کننده یک رابطه صمیمانه نبودند. بنابراین این چیزی است که اینجا بسیار آشکار است، زیرا وقتی این همه خدا دارید، سخت است که، می‌دانید، با همه آنها به این شکل صمیمی باشید. و خیلی لطف دارید که می‌بینید که لزوماً یک رابطه صمیمانه نبوده است، در نحوه انعکاس آن و نحوه برخورد آنها با آن، که بسیار متفاوت از کتاب مقدس است.

و به این معنا، این امر دیدگاه آنها نسبت به گناه را نیز شکل داد. و بنابراین، چه چهل نسبت به گناه باشد به طور خاص با آن نوع درک مصری که آنها نمی‌خواستند، می‌دانید، به نوعی در هرج و مرج شرکت کنند و به آن کمک کنند، یا اینکه پیگیری کارهایی که برای تحریک یا ناخشنود کردن خدایان مختلف انجام داده بودند دشوار بود. بنابراین در اینجا این امر نحوه نگاه آنها به گناه و کارهای اشتباهی که انجام داده بودند، یا نحوه نزدیک شدن آنها به خدایانشان از این طریق و نحوه التماس آنها را شکل داد.

بنابراین این امر مستلزم نیاز به شفاعت خدایان از سوی خدایان یا برای شخص دعاکننده بود. بنابراین برای کمک به آنها در جلب لطف، زیرا این سلسله مراتب وجود داشت. بنابراین در اینجا آنها نمی‌توانستند این کار را به تنهایی انجام دهند.

آنها مجبور بودند خدایان دیگری، خدایان شخصی‌شان، و افرادی را داشته باشند که به عنوان واسطه در این امر به آنها کمک کنند. کافی نیست که فقط با خدای شخصی خود هماهنگ باشند. آنها برای تضمین رفاه عمومی به کمک خدایان نیاز داشتند.

بنابراین آنها نیاز داشتند، می‌دانید، توره‌های خود را گسترده کنند، مطمئن شوند که همه چیز خوب پیش می‌رود. و بنابراین در اینجا درک آنها به حس فاصله هنگام نزدیک شدن به الوهیت کمک کرد. بنابراین، آنها نیاز داشتند خود را معرفی کنند و با هدایا یا نذورات بیایند.

و بنابراین اینجا می‌توانست خیلی رسمی باشد. آنها در واقع باید خودشان را به خدایان والا معرفی می‌کردند. در واقع باید آن را بیشتر جنبه‌ی معامله‌ای می‌دیدند، مثلاً قربانی و نذورات یا هدایایی را اینجا می‌آوردند تا درخواستشان شنیده شود.

آنها همچنین تعاملات خود را با ستایش بسیار گسترده شروع می‌کردند تا از پاسخ مثبت اطمینان حاصل کنند. بنابراین آنها مجبور بودند تمام تلاش خود را بکنند تا خدایان مایل به شنیدن و پاسخ به درخواست آنها باشند. تفاوت دیگر این است که، می‌دانید، رابطه دورتری با الوهیت وجود دارد، به این صورت که شما به اندازه کافی دعا‌های شکرگزاری، هرگونه پاسخ شخصی که آنها در اینجا در مورد آن صحبت می‌کنند و اعلام می‌کنند، ندارید، می‌دانید، به آنچه خدا برای فرد انجام داده است نسبت می‌دهید.

این بیشتر یک ستایش عمومی است تا قدردانی از کاری که خدایان برای فرد انجام داده‌اند. و در اینجا دعا‌های آنها بر عناصر اسطوره‌ای خدایانشان تأکید می‌کند. بنابراین، به نوعی، دوباره، فاصله بیشتری بین خدایان و دنیای انسان‌ها را نشان می‌دهد.

و بنابراین در اینجا فاصله بیشتری نیز از این نظر وجود دارد. بنابراین، نکته دیگری که باید در مورد آن فکر کرد این است که آنها چگونه رابطه بین خدایان و انسان‌ها را می‌بینند. بنابراین، اینجاست که عهد عتیق این جهان‌بینی چندخدایی را ارائه نمی‌دهد.

و بنابراین، یهوه خدای یگانه است. پس او خالق و نگهدارنده جهان است. بنابراین، آنها اینطور فکر نمی‌کنند، مزامیر خدایی را نشان نمی‌دهند که حذف شده باشد.

و بنابراین اینجا نشان می‌دهیم که خدا در واقع، می‌دانید، بسیار صمیمی است. بنابراین، حتی در مزمور مزمورنویس با اطمینان اعلام می‌کند که حتی اگر والدین خودش او را رها کنند، می‌داند که خداوند، ۲۷۱۰ همچنان از او مراقبت خواهد کرد. منظورم این است که صمیمیت بسیار متفاوت است، بسیار آشکار از نوع دعاهایی که در دعا‌های دیگر اینجا الگوبرداری می‌کنیم.

و بنابراین هنگام نزدیک شدن به یهوه نیازی به معرفی رسمی نیست. در مزمور ۱۳۹ آمده است که او حتی قبل از تولد یهوه، مزمورنویس را از نزدیک می‌شناخت. و بنابراین در اینجا یک حس صمیمیت واقعی وجود دارد که مزمورنویس از آن آگاه است و از این نوع رابطه‌ای که با یهوه دارد، آگاه است.

اسرائیل نیز این رابطه‌ی عهد ویژه را داشت. و بنابراین او می‌تواند بدون هیچ تظاهری، به نوعی درخواست‌های خود را مطرح کند. و بنابراین لازم نیست خدا را به طور گسترده ستایش کند.

بنابراین، شما هیچ ستایش گسترده‌ای را که قبلاً در این دعا‌های سوگواری اتفاق می‌افتد، نمی‌بینید. معمولاً فقط نوعی از این نیایش یا صدا زدن خدا به صورت مستقیم خطاب به خداست و سپس به همان شکل به درخواست و سوگواری نیز می‌پردازد. بنابراین اینجا می‌تواند مستقیماً به سوگواری و درخواست نیز منجر شود.

آنها می‌توانند بدون نیاز به جلب نظر شخص ثالث وارد شوند. شما واسطه‌ای به معنای این دعاها ندارید. می‌دانید، یک خدا به نمایندگی از آنها دعا می‌کند.

، شما چنین مثالی را در مورد این دعا‌های سوگواری ندارید. آنها مجبور نبودند بدون گناه بیایند یا بدون اینکه می‌دانید، بهترین رفتار خود را نشان دهند. بنابراین، در عوض، مزمورنویس اغلب درد و رنج خود را ابراز می‌کرد و سپس آزادانه گناه و همچنین بی‌گناهی خود را می‌پذیرفت.

و بنابراین، آنها مجبور نبودند برای تبرئه شدن از گناه، از اسلاف خود فاصله بگیرند. اما با گناهان آنها. همذات پنداری می‌کردند. آنها در نیت خود صادق بودند، حتی مانند قبل از آن.

و بنابراین چیزی که به نظرم حتی اینجا شگفت‌انگیز است این است که، می‌دانید، ما به عنوان مؤمنان عهد جدید، می‌توانیم به عنوان قوم خدا، حتی اتحاد بیشتری را تجربه کنیم زیرا روح القدس در واقع در درون ما زندگی می‌کند، همانطور که در دوم قرن‌تیا آمده است. بنابراین این باید ما را تشویق کند که با اعتماد به نفس به حضور خدا بیاییم. بنابراین حتی وقتی به دعا‌های سوگواری و حتی سوگواری برای خودمان فکر می‌کنیم، می‌دانید، بحرانی که بر روی صلیب انجام شد، به ما دسترسی به تخت فیض را داده است.

، و بنابراین در اینجا، حتی با اینکه این دعا‌های سوگواری را به عنوان راه‌هایی برای دعا کردن خود می‌بینیم می‌توانیم اعتماد به نفس و درک بیشتری داشته باشیم که این برای ما اساسی است. و ما به بازیابی سوگواری کتاب مقدس فکر می‌کنیم، که ریشه در ژانر سوگواری موجود در کتاب مقدس دارد، که ما در واقع، به عنوان مؤمنان عهد جدید، می‌توانیم با اعتماد به نفس وارد شویم و این صمیمیتی را که می‌توانیم با خدا داشته باشیم، تشخیص دهیم. و بنابراین، عهد عتیق دائماً از شنیدن فریادهای قوم خود توسط خدا و رهایی آنها صحبت می‌کند.

ما این را در کتاب خروج می‌بینیم. و بنابراین در اینجا، ژانر ستایش یا شکرگزاری اعلامی معمولاً با مرثیه‌های فردی مرتبط بود. بنابراین، در اینجا، این چیزی بسیار متفاوت است.

بنابراین در واقع، شما، می‌دانید، با هرمان گانکل، به نوعی چهار نوع ژانر مختلف را در مزامیر شناسایی کرده‌اید. یکی از آنها مزامیر شکرگزاری است و معمولاً با مرثیه‌ها و مرثیه‌های فردی مرتبط هستند. و بنابراین در اینجا نوعی پاسخ خدا به دعا‌های فردی و پاسخ‌های او به آنهاست.

و بنابراین ستایش اعلامی نتیجه عمل و مداخله خداوند است، منبع ستایش اعلامی. و بنابراین، این موضوع در اینجا کمی جالب است. باز هم، این واقعیت که ستایش اعلامی در کتاب مقدس وجود دارد، گواهی بر این است که دعا‌های سوگواری بی‌پاسخ نمی‌مانند.

و من فکر می‌کنم این برای ما مهم است. می‌دانید، ما به خدا دعا نمی‌کنیم که امیدوار باشیم بشنود. ما به یهوه، پدر آسمانی‌مان، دعا می‌کنیم.

و او تنها کسی است که قادر به پاسخگویی است. و او پاسخ می‌دهد. و بنابراین می‌بینیم که حتی در مزامیر، او پاسخ می‌دهد.

و همانطور که او به مزمورنویس پاسخ داد، می‌تواند به ما نیز پاسخ دهد. و اینکه ما دعا‌های خود را بدون هیچ گونه اطمینانی از شنیده شدن، به ورطه‌ی قلمرو معنوی یا به جهان هستی نمی‌اندازیم. ما در واقع نمونه‌هایی از کتاب مقدس را به این شکل در اینجا می‌یابیم.

و بنابراین ما در رنج‌هایمان تنها نیستیم. و اینکه حتی برای ما به عنوان مؤمنان عهد جدید، عیسی برای ما شفاعت می‌کند و به ما یادآوری می‌کند که، می‌دانید، او کسی است که پسر خود را دریغ نکرد، بلکه او را برای ما فدا کرد. من نشان خواهم داد که چگونه ما نیز می‌توانیم، همراه با او، با لطف همه چیز را به ما بدهیم تا بتوانیم حتی در حالی که در حال دعا و سوگواری هستیم، اطمینان داشته باشیم.

بنابراین دومین وجه تفاوت‌ها در اینجا از نظر الهیاتی، نحوه عملکرد دعاها است. و بنابراین، همانطور که خوانده‌اید، بسیاری از دعاها در اینجا جنبه تعاملی داشتند. بنابراین هیتی‌ها به پیشگاه خدا می‌آمدند تا دلایل و استدلال‌هایی ارائه دهند که چرا باید خدا را متقاعد کرد که گناه و رنج را ببخشد یا از بین ببرد.

تأکید آنها بر درخواست رحمت یا بخشش نبود. و بنابراین، این از این نظر بسیار متفاوت است. دلیل اینکه ما اغلب با قربانی‌ها و نذوراتی که توسط درخواست‌کننده تقدیم و اهدا می‌شود، به شرکت خود مرتبط می‌شویم نیز همین است.

و همچنین در این دعا‌های سومری-بابلی می‌بینید که آنها به عنوان ورد، نوعی آیین و هدایا و کارهایی که باید انجام می‌دادند، در نظر گرفته می‌شدند. و بنابراین آنها این کارها را برای اطمینان از نتیجه مثبت انجام می‌دادند. بنابراین پاسخ‌ها به این بستگی داشت که مطمئن شوند این آیین‌ها را به درستی انجام می‌دهند، هدایای مناسب را می‌آورند و کارهای درست را انجام می‌دهند.

و همچنین این آیین‌ها اغلب شامل وردهایی بودند که طرز فکر معامله‌گرایانه را تقویت می‌کردند. بنابراین همانطور که فکر می‌کنید، این یک طرز فکر بسیار معامله‌گرایانه است. بنابراین، روند گام به گام احتمالاً هنگام نزدیک شدن به الوهیت آسان‌تر و ایمن‌تر از ورود با تسلیم و آسیب‌پذیری کامل بود.

بنابراین اینجا واقعاً متفاوت است. وقتی به آن فکر می‌کنید، به آن نوع طرز فکر و نحوه عملکرد دعاها می‌دانید، مثلاً وقتی می‌آییم، اینطور نیست که مجبور باشیم این و این را انجام دهیم و مطمئن شویم که آن را درست انجام می‌دهیم تا به نتیجه درست برسیم. در واقع این همان چیزی است که در کتاب مزامیر اینجا پیدا می‌کنید.

و سپس مرثیه‌ها فقط مزامیر هستند که قلب‌هایشان را بیرون می‌ریزند و با آسیب‌پذیری می‌آیند. این با طرز فکر معامله‌گرایی و نحوه‌ی نگاه شما به مسائل از این طریق بسیار متفاوت است. و بنابراین، در اینجا، اگرچه اصطلاحات مشابهی در مزامیر وجود دارد، عهد عتیق در اینجا متفاوت است، جایی که می‌گوید: «می‌دانید، یهوه عدالت و انصاف را مهم‌تر از فداکاری‌ها می‌دانست».

و اینجا است که متوجه می‌شوید انجام کار درست و عادلانه، بیشتر از قربانی مورد قبول خداوند است. و به عبارت دیگر، در اینجا، خداوند صرفاً با قربانی یا نذورات متقاعد به عمل نمی‌شود. و بنابراین، همانطور که می‌بینیم، مزمن‌نویس نذرهای ستایش می‌کند، اما آنها به عنوان ورد و طلسم عمل نمی‌کنند.

این دو یکی نیستند. بنابراین، ستایش جایگزین فداکاری نیست. نذر برای تضمین نتیجه مثبت داده نمی‌شود.

در عوض، این بخشی از گذار از سوگواری و درخواست به ستایش بود. و بنابراین، این مهم است زیرا وقتی به سوگواری کتاب مقدس و بازیابی سوگواری کتاب مقدس فکر می‌کنیم، این نکته را تقویت می‌کند که سوگواری کتاب مقدس یک فرآیند است. بنابراین، فقط به این شکل نیست که شما با یک معامله وارد می‌شوید.

این یک فرمول نیست. این یک ورد و طلسم نیست. وقتی در پیشگاه خدا ناله و زاری می‌کنیم، در واقع منتظر او هستیم.

ما به این شکل به پیشگاه خدا می‌رویم. بنابراین، وقتی درد و ناامیدی‌هایمان، درد و شرم و رنجمان را ابراز می‌کنیم، درگیر یک آیین معامله‌گرانه نمی‌شویم. ما به پیشگاه یهوه، که پدر آسمانی ماست، می‌رویم.

ما عمیق‌ترین افکار، آرزوها و امیدهای خود را با هم در میان می‌گذاریم. در این فرآیند است که مزمن‌نویس اغلب دیدگاه و انتظار جدیدی پیدا می‌کند که به امید بیشتری منجر می‌شود. همانطور که ایوب و حبقوق از طریق مواجهه با خدا دیدگاه جدیدی پیدا کردند، بسیاری از مزامیر مرثیه نیز این تغییر را نشان می‌دهند.

و بنابراین، دعاها سوگواری کتاب مقدس، ورد و طلسم نیستند، و آنها فقط چانه‌زنی یا دستکاری خدا برای انجام کاری نیستند. در عوض، آنها خدا را در تسلیم کامل و آسیب‌پذیری قرار می‌دهند. و بنابراین، من فکر می‌کنم این چیزی است که ما واقعاً باید هنگام فکر کردن به بازیابی سوگواری کتاب مقدس، و در مورد دعا و نحوه تعامل با خدا، به آن توجه کنیم.

و، بنابراین، اینها فقط سوالاتی هستند که من دوست دارم و قمتان را با چند سوال تأملی به پایان برسانم می‌دانید. پس از بحث کوتاهی در مورد دعاها همسایگان اسرائیل، چگونه آنها به ما کمک می‌کنند تا ماهیت منحصر به فرد سوگواری کتاب مقدس را که از آن زمینه ناشی می‌شود، ببینیم؟ چه چیزی در مورد آنچه در کتاب مقدس می‌یابیم بسیار منحصر به فرد است؟ و من فکر می‌کنم چیزهای زیادی وجود دارد که می‌توانیم از آنها سپاسگزار و شکرگزار باشیم. و بنابراین، چه تفاوت‌های الهیاتی کلی بین دیدگاه عهد عتیق نسبت به خدا در مقابل دیدگاه همسایگانش وجود دارد؟ و این تفاوت‌ها چگونه بر دعاها تأثیر می‌گذارد؟ و بنابراین در اینجا به این فکر می‌کنیم که چگونه آنها به خدا نزدیک می‌شوند، چگونه به این روش دعا می‌کنند و چه تفاوت‌های خاصی وجود داشته است، و کدام یک از آنها برای شما برجسته‌تر بوده است؟ و چگونه، این تفاوت‌ها به شما کمک می‌کند تا سوگواری کتاب مقدس و آنچه را که در کتاب مقدس می‌یابیم، درک کنید؟ متشکرم.

،این دکتر می یانگ است در تدریش در مورد مقایسه مرثیه‌های همسایگان باستانی شرق نزدیک اسرائیل
جلسه دوم.